

المطالب فی شرح المکاسب

للشیخ الانصاری

جلد دوم

محدوده کتاب قیافه شناسی تا

انتهای مکاسب محرمة

محمدحسن فایضی

سرشناسه	:	فایضی، محمد حسن، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	:	المطالب فی شرح المکاسب للشیخ الانصاری / محمد حسن فایضی
مشخصات نشر	:	قم: دارالعلم، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۴۰۸ ص.
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۲۰۴-۲۶۰-۹
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبای مختصر
یادداشت	:	فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است
شماره کتابخانه ملی	:	۳۸۳۰۷۶۰



موسسه اشاعات دارالعلم

المطالب فی شرح المکاسب (جلد ۲)

مؤلفه / محمد حسن فایضی
 نشر / انتشارات دارالعلم
 جلد / ۱۰۰۰
 قیمت / ۱۳۵۰۰ تومان
 نوبت چاپ / اول / ۱۳۹۴
 قطع و صفحه / وزنی / ۲۸ صفحه

دفتر مرکزی / قم خیابان معلم، میدان روح الله، طبقه ۱۹ پلاک ۱۰
 تلفن / ۹ / ۳۷۷۴۲۹۸ - فکس / ۳۷۷۴۱۷۹۸، تلفن / ۳۷۷۴۱۰۷۷
 قم / خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، واحد ۷ تلفن / ۳۷۸۴۲۰۷۶-۹
 دفتر تهران / خیابان انقلاب، ۱۲ فروردین، ساختمان تجاری ناشران
 طبقه همکف شماره ۱۸ / ۱۶ / تلفن: ۶۶۹۷۳۸۰۹-۰۵-۰۵۴۰۵۴

چاپ / شرکت چاپ قدس قم، تلفن ۳۷۷۳۱۳۵۴ فکس ۳۷۷۴۴۴۳

حق چاپ محفوظ و مضمون ناشر است

Darolelm1335@yahoo.com

فروش اینترنتی:

www.darolelm.com

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۴-۲۶۰-۹

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به حمدالی پس از اتمام جلد اول المطالب فی شرح مکاسب، به توفیق حضرتش وارد شرح جلد دوم شدیم و همان گونه که در جلد اول در صفحه ۹ و ۱۰ مقدمه امتیازاتی برای این شرح بیان کردیم، این اذعان را داریم که شرح حاضر در بین شروح به نکاتی که شارحان به وضوح واگذار کرده‌اند، به سادگی و موجز بودن در عین حال وافی پرداخته است، خصوصاً این که این مباحث در مرکزی با برکت بنام مرکز تخصصی فقه و اصول ائمه اطهار علیهم السلام که تحت اشراف آیه الله حاج شیخ محمد جواد فاضل لنکرانی دامت توفیقاته می‌باشد، طرح گردیده است. به این معنا که ابتدا تمامی مطالب کتاب در معنی از طلاب ممتاز این مرکز به صورت جزوه طرح گردیده و پس از آن که مورد تحلیل و در معرض تنقید عزیزان قرار گرفته است، به صورت کتاب مدوّن شده است و ما را کافی است تقریظی که حضرت آیه الله حاج شیخ محمد جواد فاضل لنکرانی دامت توفیقاته بر این شرح مرقوم فرموده‌اند. در ادامه خواهد آمد، و همه این زحمات برای آن است که در راستای پویایی فقه شیعه سهمی و لو ناچیز در صد البته به امضاء صاحب اصلی حوزه‌های شیعه امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) داشته باشیم. و باید یادآوری شود که این شرح طبق مکاسب چاپ کنگره است و اعدادی که در حاشیه آورده شده‌اند، عدد صفحه‌ای است که متن مذکور در آن صفحه آمده است و به منظور دسترسی آسان به متن مکاسب نگارش شده است.

قم، محمد حسن فایضی

۱۴ جمادی الاولی ۱۴۳۶

مصادف با اسفند ۱۳۹۳

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۷	قیافه‌شناسی
۸	قیافه‌شناسان درباره‌ی امام جواد علیه السلام حکم می‌کنند.
۱۱	دروغ
۱۳	دروغ از گناهان کبیره است
۲۰	وعده‌ی دروغ
۲۳	خلف وعده دروغ نیست
۲۵	دروغ به شوخی
۲۹	توریه، دروغ نیست
۳۶	مسوغات دروغ - ضرورت
۳۶	بیان چهار نکته: نکته اول: بیان دلیل حکومت "ضرورت" بر سایر موضوعات.
۳۹	نکته دوم: آیا هنگام ضرورت باید به توریه اکتفا نمود و دروغ نگفت؟
۵۰	نکته سوم: مقدار ضرری که موجب تجویز دروغ می‌گردد.
۵۱	نکته چهارم: توجیه احکام موافق عامه در بیانات ائمه علیهم السلام
۵۳	مسوغات دروغ - اصلاح ذات البین
۵۶	پیشگویی - کفایت

- ۵۷ بیان معنای کِهانت
- ۵۸ اقسام کِهانت
- ۶۱ کِهانت الان موجود است یا نه؟
- ۶۲ بیان ادلهی حرمت کِهانت
- ۶۵ اخبار از امور غیبی مطلقاً حرام است مگر «جفر و رمل»
- ۶۶ فعل لِه و بیهوده
- ۶۶ احوال: حرمت سفر به قصد لِه
- ۶۷ دوم: حرمت تاندازی به قصد لِه
- ۶۷ سوم: حرمت کبیر بازی به قصد لِه
- ۶۹ بیان دلیل حرمت لِه از روایات
- ۷۲ هر فعل لِهوی از مؤمن باطل است، مگر سه فعل
- ۷۴ تنقیح موضوع بحث و معنی لِه
- ۷۵ بیان معنای «لعب» و «لغو»
- ۸۰ مدح کسی که مستحق مدح نیست
- ۸۰ و اما مدح نابجا دو مصداق دارد
- ۸۱ ادلهی حرمت مسأله
- ۸۳ نصرت ظالم
- ۸۳ مراد از ظالم و ادلهی حرمت نصرت آن
- ۸۵ بیان حکم یاری کردن ظالم در افعال غیر حرام
- ۹۱ کار کردن برای ظلمه اشکالی ندارد، اگر صدق «نصرت» نکند
- ۹۲ کار کردن برای ظالم به سه دسته تقسیم می‌شود
- ۹۳ بازار گرمی کردن
- ۹۳ معنای «نجش»

۹۴	«نجش» به دو دلیل حرام است
۹۶	سخن‌چینی - نعیمه
۹۶	دو معنی برای نیمه
۹۷	ادله‌ی حرمت نیمه
۱۰۰	مستثنیات از حکم حرمت نیمه
۱۰۱	نوحه‌سرانی به باطل
۱۰۱	معنای نوحه‌سرانی
۱۰۲	دلیل حرمت نوحه‌سرانی
۱۰۴	قبول ولایت از طرف جائر
۱۰۴	معنای لغوی و اصطلاحی ولایت
۱۰۵	بیان دلیل حرمت قبول ولایت
۱۰۶	قبول ولایت حرمت ذاتی دارد و لو ظلم برآورد مرتب نشود
۱۰۸	مجوزات قبول ولایت ظلمه
۱۰۸	مجوز اول: قیام به مصالح عباد
۱۱۲	قبول ولایت به نیت خیر، عملی است مباح و یا مستحب
۱۱۵	به دو جهت قبول ولایت ظالم واجب می‌شود
۱۲۶	مجوز دوم: «اکراه»
۱۲۷	به چهار دلیل «اکراه» مجوز قبول ولایت است
۱۲۸	تنبیهات مسأله‌ی قبول ولایت جائر
۱۲۸	تنبیه اول: اکراه علاوه بر قبول ولایت، ملزومات محرمه‌ی آن را نیز جایز می‌گرداند
۱۳۴	تنبیه دوم: مجوز سوم: «خوف بر بعض مؤمنین»
۱۴۳	تنبیه سوم: آیا برای تحقق «اکراه» عجز از تفضی شرط است؟
۱۴۷	تنبیه چهارم: آیا ادله‌ی رفع اکراه مثل حدیث رفع، قبول ولایت را واجب می‌گرداند؟

- ۱۴۸ تنبیه پنجم: «اکراه» موجب جواز قتل نمی‌گردد.
- ۱۵۳ خاتمة (نامه امام صادق علیه السلام به والی اهواز).
- ۱۵۴ خدمت به مؤمنین، وسیله‌ی تقرب به خدا است.
- ۱۵۵ بیان ۱۶ وظیفه برای والی
- ۱۵۷ پستی دنیا
- ۱۵۹ عمل به فرمان امام علیه السلام باعث بخشودن گناهان.
- ۱۵۹ اسراء مؤمن
- ۱۶۰ کسب به مؤمن
- ۱۶۰ برآورده بودن حاجت مؤمن
- ۱۶۰ خدمت به هم نوع
- ۱۶۰ واسطه در ازدواج
- ۱۶۱ زیارت مؤمن
- ۱۶۱ پرهیز از ایمان ظاهری و پرهیز از تمسک در احوال مردم
- ۱۶۱ دنیا محل رنج و بلا
- ۱۶۲ اعلام جنگ با خدا
- ۱۶۲ کافر از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام
- ۱۶۳ خوشحال کردن هم نوع
- ۱۶۳ حق تقدم در جلب رضایت حق است
- ۱۶۵ «هجاء» و یا عیب جوئی از مردم به زبان شعر
- ۱۶۵ معنای هجاء و ادله‌ی حرمت آن
- ۱۶۷ عموم حرمت هجاء و لو نسبت به فاسق
- ۱۶۸ اهل سنت و اهل بدعت هجوشان جایز است
- ۱۶۹ هجو به بهتان جایز نیست و لو نسبت به اهل سنت و اهل بدعت

۱۷۲	«هجر» و یا فحش و ناسزا
۱۷۲	بیان دلیل حرمت
۱۷۴	اخذ اجرت بر واجبات
۱۷۴	مراد از «اجرت» و «واجب» در این بحث
۱۷۶	ادلهی حرمت اخذ اجرت بر واجب
۱۷۶	دلیل اول: اخذ اجرت با قصد قربت تنافی دارد.
۱۷۹	جمع بین حرمت اخذ اجرت بر واجب و جواز اجرت بر عبادات استیجاری
۱۸۳	دلیل دوم بر حرمت اخذ اجرت بر واجبات: ان المملوک لا یملک ثانیاً
۱۸۶	اختلاف فقهاء در حرمت اخذ اجرت
۱۸۹	بیان مختار در اخذ اجرت بر واجبات
۱۹۱	بیان اقسام واجبات
۱۹۵	اخذ اجرت بر مشاغلی که اقامه‌ی نظام بر آنها متوقف است.
۲۰۱	مختار شیخ در واجباتی که اقامه‌ی نظام بر آنها متوقف است
۲۰۴	بیان مختار در واجبات کفائیه
۲۰۵	بیان حکم اخذ اجرت بر افعال غیر واجب.
۲۰۶	اخذ اجرت بر مستحبات.
۲۰۷	اخذ اجرت بر نیابت.
۲۱۲	عمل اجیر برای خودش واقع نمی‌شود.
۲۱۳	اخذ اجرت بر نیابت در طواف
۲۱۷	اخذ اجرت بر اذان.
۲۲۰	اخذ اجرت بر اقامه‌ی جماعت.
۲۲۱	اخذ اجرت بر اداء شهادت.
۲۲۳	ارتزاق و دریافت حقوق از بیت‌المال در مقابل انجام واجب.

- فروش قرآن ۲۲۶
- موضوع در فروش قرآن «خط» آن است ۲۲۷
- توهم وجود روایاتی مبنی بر جواز فروش قرآن! ۲۲۹
- اگر اوراق قرآن شرعاً تحت ملکیت صاحب آن است، حرمت بیع به چه معنی است؟ ۲۳۲
- فروش قرآن به کافر ۲۳۷
- فروش ادعیه به کافر ۲۴۰
- فروش احادیث به کفار ۲۴۰
- تسلیط کفار بر سکه‌هایی که مضروب به نام مقدّس پیامبر ﷺ است ۲۴۱
- هدایای سلطان ۲۴۳
- اقسام علم آخذ هدیه سلطان به اموال سلطان ۲۴۳
۱. صورت اول: آخذ از مال حرام در مال سلطان اطلاعی ندارد. ۲۴۴
۲. صورت دوم: آخذ اجمالاً می‌داند که سلطان اموال حرامی دارد. ۲۴۶
- هر یک از صورت اول و دوم کراهت اخذ دارند. ۲۴۷
- بیان سه وجه برای ارتفاع کراهت اخذ جایزه ۲۴۹
- وجه اول: خود سلطان بگوید: جایزه از وجوه حرام نیست ۲۴۹
- وجه دوم: اخراج خمس ۲۵۲
- بیان پنج وجه بر اعتبار رافعیت اخراج خمس برای کراهت ۲۵۲
- وجه سوم: وجود مصلحت اهم در اخذ جایزه ۲۵۴
۳. صورت سوم: آخذ علم اجمالی منجز بوجود حرام در اموال سلطان دارد. ۲۵۶
۴. صورت چهارم: آخذ به تفصیل می‌داند جایزه‌ای که می‌خواهد بگیرد غصبی است. ۲۶۹
- بیان بعضی از احکام مال غصبی ۲۷۳
- حکم اول: وجوب فوری ردّ ۲۷۳
- حکم دوم: ردّ به چه امری محقق می‌شود؟ ۲۷۳

۲۷۵	حکم سوم: لزوم فحص.
۲۷۶	حکم چهارم: رد مال به مدعی مالکیت.
۲۷۷	حکم پنجم: چگونگی فحص.
۲۷۷	حکم ششم: مخارج فحص.
۲۷۸	حکم هفتم: مدت زمان فحص.
۲۸۲	حکم هشتم: پس از یأس از پیدا شدن مالک، وظیفه نسبت به مال چیست؟
۲۸۷	مقتضای قاعده در مال مجهول المالک، عدم جواز صدقه، بدون اذن مالک است.
۲۸۸	مقتضای روایات در مال مجهول المالک، صدقه دادن است.
۲۸۸	وقوع تعارض بین مقتضای قاعده و مقتضای روایات و بیان چهار وجه جمع.
۲۹۱	حکم نهم: صدقه را باید بر چه کسی داد؟
۲۹۱	حکم دهم: اعطاء مجهول المالک به چه کسی؟
۲۹۲	حکم یازدهم: ضمان بعد از صدقه.
۲۹۸	حکم دوازدهم: زمان شروع ضمان.
۳۰۰	حکم سیزدهم: انتقال حق اجازه و رد به ورثه.
۳۰۰	حکم چهاردهم: برداشت غرامت از ترکی متصدق.
۳۰۱	حکم پانزدهم: اگر آخذ، مال را به حاکم بدهد ضمان به عهده کیست؟
۳۰۲	بیان صورت چهارم از صور جوائز سلطان: آخذ اجمالا می داند در مأخوذ حرام قرار می گیرد.
۳۰۴	تقسیم «اخذ» و «مأخوذ» به احکام خمس.
۳۰۵	آنچه ظالم از اموال مردم تلف می کند از دیون او قرار می گیرد.
۳۰۹	حکم خراج و یا مالیاتی که سلطان می گیرد.
۳۰۹	معنای خراج و مقاسمه.
۳۱۰	بیان قاعدهی اولیه و ثانویه راجع به خراج و مقاسمه ای که سلطان اخذ می کند.
۳۲۵	تنبیهات مسألهی خراج و مقاسمه.

- ۳۲۵ تنبیه اول: آیا احکام خراج، شامل خراجی که به قبض سلطان نرسیده است هم می‌شود؟
- ۳۲۰ تنبیه دوم: آیا قاعده‌ی ثانویه‌ای که در خراج وجود دارد، مبنی بر حلیت خراج، مخصوص گیرنده و منتقل الیه است؟
- ۳۴۸ تنبیه سوم: آیا انفال نیز از زمینهای خراجیه است؟
- ۳۵۳ سه زمین وجود دارد که خراج شامل آنها نمی‌شود.
- ۳۵۴ تنبیه چهارم: مراد از سلطان در بحث خراج، سلطان کل بلاد است و یا سلطان بر شهرهای کوچک را هم شامل می‌شود؟
- ۳۵۴ تعبیر سلطان در بحث خراج، شامل سلطان شیعه و کافر هم میشود؟
- ۳۶۱ تنبیه پنجم: بر اعطاء خراج آیا مذهب شرط است؟
- ۳۶۴ تنبیه ششم: خراج و مقابله مقدار معینی ندارد.
- ۳۶۷ تنبیه هفتم: آیا برای اخذ خراج از سلطان، استحقاق آخذ شرط است؟
- ۳۷۲ تنبیه هشتم: شرایط سه مورد برای زمین خراجی
- ۳۷۶ زمین‌های عراق همگی از اراضی خراجی‌اند.
- ۳۹۵ محدوده‌ی زمین‌های خراجی عراق